

Decorations of the moon, plants and angels on the Sassanid motifs of Taq-e Bostan and its comparison with the myth of creation in ancient Iran

Farhad Rahmani Talandashti^{*}, Mirza Mohamad Hassani^{}**

Morteza Hesary^{*}**

Abstract

One of the main characteristics of Iran at the beginning of the Sasanian rule was the close alliance between religion and government to maintain unity in the country. The consolidation of the foundations of power by religion and the development of religion by the political and military forces of the country has been one of the pillars of the Sassanid founders. At that time, religion and religious leadership had a major role in many political, cultural and even artistic currents. Sassanid artists, inspired by the knowledge of Zoroastrian priests and the book of Avesta, in which religion and myth have always been combined, in combining and carving Sassanid inscriptions and reliefs, combined mythical symbols with historical images. They were extremely careful that the combination of religion and myth be manifested in the form of symbols and signs in historical narratives. This close communication, both physically and physically, as well as culturally and spiritually, belongs to the ancient Iranian myths. In this research based on analytical and descriptive approach; The decorations, symbols and carvings of Taq-e Bostan were studied in the form of

* PhD Student of Ancient Iranian History of Islamic Azad University Tehran Branch,
fmza8@yahoo.com

** Assistant Professor, Department of History, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood,
Iran (Corresponding Author), mohamadhassani68@yahoo.com

*** Associate Professor of Azad University of Tehran Branch, fmza513@yahoo.com

Date received: 8/11/2021, Date of acceptance: 10/2/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

religious and mythological ideas and it was concluded that the Sassanid art of Taq-e Bostan in the form of a symbol and symbol engraved on it is the manifestation and reflection of the myths of creation in the religious beliefs of ancient Iran.

Keywords: Creation myth, Sassanids, decorations , Taq-e Bostan,faith

روایت اسطوره آفرینش ایران باستان در نمادها و حجاریهای ساسانی تاق‌بستان

فرهاد رحمانی تالاندشتی*

میرزا محمد حسنی**، مرتضی حصارى***

چکیده

یکی از ویژگی‌های عمده ایران در آغاز فرمانروایی ساسانیان اتحاد نزدیک میان دین و دولت برای حفظ یگانگی در کشور بود. تحکیم پایه‌های قدرت توسط دین و توسعه دین، توسط نیروی سیاسی و نظامی کشور از ارکان تفکر بنیانگذاران ساسانیان بوده‌است. در آن روزگار دین و رهبری مذهبی در بسیاری از جریان‌های سیاسی و فرهنگی و حتی هنری دخالت عمده‌ای داشتند. هنرمندان ساسانی با الهام از دانش موبدان زرتشتی و کتاب اوستا که همواره دین و اسطوره در آن ترکیب یافته‌است در طراحی و نقش‌پردازی کتیبه‌ها و نقش برجسته‌های ساسانی، سمبل‌های اسطوره‌ای را با تصاویر تاریخی در هم آمیخته‌اند و نهایت دقت را در نظر داشتند که ترکیب دین و اسطوره در شکل نماد و نشان در روایت‌های تاریخی تجلی‌یابد. این ارتباط تنگاتنگ چه از لحاظ هنری و ظاهری و چه از دیدگاه فرهنگی و معنوی تعلق بزرگی به اسطوره‌های کهن ایرانی دارد. سوالی که این پژوهش به دنبال پاسخ دادن به آن می‌باشد این است که نقش هلال ماه، دو فرشته و دو گیاه اطراف تاق‌بزرگ تاق‌بستان جنبه تزئینی داشته‌است یا داستان و روایتی را در دل خود بیان می‌کند؟

* دانشجوی دکتری تاریخ ایران باستان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، fmza8@yahoo.com

** استادیار گروه تاریخ، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران (نویسنده مسئول)، mohamadhassani68@yahoo.com

*** دانشیار تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، fmza513@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۱



در این پژوهش بر اساس رویکرد تحلیلی و توصیفی؛ تزئینات و نماد و نشانهای حجاری تاق‌بستان کرمانشاه در قالب اندیشه‌های دینی و اسطوره‌ای مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد. و به این نتیجه می‌رسد که هنر ساسانی تاق‌بستان در قالب نماد و نشانهای نقش بسته بر تاق بزرگ تجلی و بازتاب اسطوره‌های آفرینش در باورهای دینی ایران باستان است.

کلیدواژه‌ها: ساسانیان، تزئینات، تاق‌بستان، اسطوره آفرینش، دین.

۱. مقدمه

معتبرترین آثار برج‌مانده ساسانی، یعنی نقش برجسته‌های صخره‌ای یادمان‌هایی رسمی بودند برپا شده به نیت بزرگداشت مقام شاهی؛ لیکن برخلاف یادمانهای اشکانی، به میزانی گسترده ذهنیت قومی، دینی و اسطوره‌ای ایرانیان را به بیان درآورده‌اند (پوپ، ۱۳۸۷: ۷۵۳). اسطوره‌های آریایی روایت‌گر تاریخ کهن مردمان ایران است و در دل این داستانهای-های اسطوره‌ای، بیان واقعیهایی از فرهنگ، سیاست و دین مردمان سرزمین ایران باستان نهفته است. هنر ساسانی اختلاطی از سنن کهن و اسطوره‌های ایران باستان که جنبه تقدس به خود گرفته بود را در هم می‌آمیخت و بخش بزرگی از هنر ساسانی در کهن‌ترین مظاهر خود وارث گذشته اسطوره‌ای ایران باستان بوده است (گیرشمن، ۱۳۷۰: ۱۳۴). این ارتباط تنگاتنگ بین هنر، اسطوره و دین چه از لحاظ ظاهری و چه از دیدگاه فرهنگی و معنوی تعلق بزرگی به باورهای کهن ایرانی دارد که در کتیبه‌های ساسانی مشخص است. به عنوان یک اثر معماری، از نمای تاق‌بستان چنین پیداست که در پایان دوره ساسانی، هنر معماری در مقابل هنر نقاشی زانو زده و تسلیم محض شده بود (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۳۴۳). هنرمندان ساسانی با الهام از دانش موبدان زرتشتی و کتابهای دینی به خصوص اوستا هنر حجاری را با روایت‌های دینی و اسطوره‌ای آمیختند تا بتوانند با به کارگیری هنر حجاری روایت‌گر داستانهای کهن اسطوره‌ای، دینی ایران باستان در یادمانهای خود باشند. ساسانیان علاوه بر به کارگیری اسطوره‌ها در ترسیم و شکل دهی هنر، تمام تلاش را بر آن داشتند نقوش تاریخی خود را که مزین به اسطوره‌های ایرانی بود در مکانی حجاری‌کنند که آن مکان و سرزمین نیز در باورهای فرهنگی و اسطوره‌ای مردم ایران جایگاهی مقدس داشته باشد. یکی از این مکانها، کرمانشاه است. سرزمینی که از دوره‌های پیش از تاریخ تا تمدن هخامنشی و ساسانی جایگاه ویژه‌ای در اسطوره‌های ایرانی و دیانت و باورمندی مردمان ایران باستان داشته است.

روایت اسطوره آفرینش ایران باستان در ... (فرهاد رحمانی تالاندشتی و دیگران) ۱۰۵

حتی یونانیان این مکان را مقدس می‌پنداشتند (گیرشمن، ۱۳۷۰: ۱۸). درج نام کرمانشاه و کوه مقدس بیستون و تاق‌بستان در متون مقدس زرتشتی و آثار کهن اسطوره‌ای نشان از قدمت و اهمیت دینی، تاریخی و اسطوره‌ای این سرزمین و کوهایش دارد. قدیمی‌ترین اثر مکتوب دینی که نام کرمانشاه در آن مشخصاً ذکر شده است کتاب بندهش اثر فرنیغ دادگی است (فرنیغ دادگی، ۱۳۸۰: ۷۳). اهمیت دینی و اسطوره‌ای کرمانشاه و کوههایش، موجب شد آثاری چون کتیبه بزرگ بیستون یادگار داریوش اول هخامنشی (۵۲۲ ق.م) و تاق‌بستان در دوره امپراطوری ساسانی که موضوع مورد بحث ما در این تحقیق است، در شهر کرمانشاه به یادگار گذاشته شوند. در تاق‌بستان سه اثر تاریخی از دوره ساسانی نقش بسته است. قدیمی‌ترین اثر مربوط به اردشیر دوم (۳۷۹-۳۸۳ م) یا زدهمین پادشاه ساسانی است. تاق کوچک مربوط به شاپور دوم (از ۳۰۹ یا تا ۳۷۹ م) و پسر شاپور، شاپور سوم (۳۸۳-۳۸۸ م) است. تاق بزرگ در زمان شاهنشاهی خسرو پرویز (۵۹۰-۶۲۸ م) حجاری شده است. این آثار یادآور دوره تاریخی و روایت‌گر زندگی سیاسی شاهنشاهان نقش بسته در تاق‌بستان است اما علاوه بر صحنه‌های تاریخی و تاج‌ستانی شاهنشاهان، نمادها و نشانه‌ها و تزئیناتی نیز در دل حجاری‌ها نمایش داده شده است. تزئیناتی چون هلال ماه، گیاه، فرشتگان، نقش ایزد میترا برسم بر دست و گل نیلوفر و... این نقوش ریشه در فرهنگ کهن ایرانی دارد و روایت‌گر اسطوره‌های کهن در باور مردمان آریایی بوده است. در همین راستا سعی بر آن است تا با کاربست روش تحقیق تاریخی و اسطوره‌ای که مبتنی بر توصیف و تحلیل داده‌هاست نقوش و نمادهای اسطوره‌ای حجاری شده در تاق‌بستان بررسی گردد و تطبیق این نقوش در بیان اسطوره آفرینش آریایی که در کتابهای دینی دوره ساسانی بازتاب یافته است مورد واکاوی و رمز گشایی قرار گیرد.

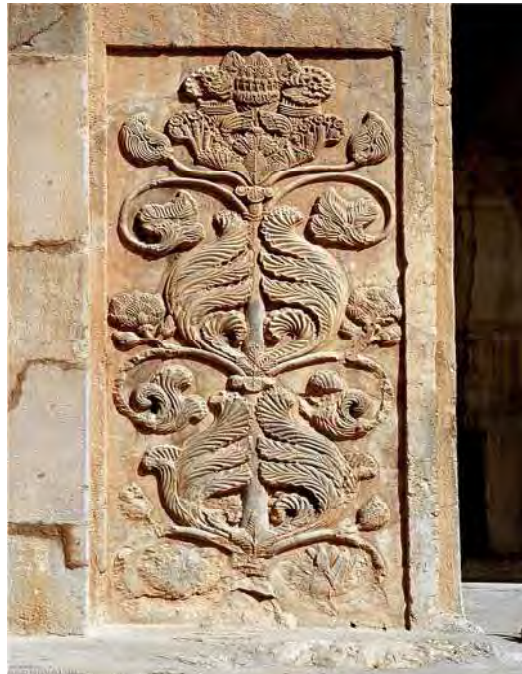
۲. بررسی اسطوره‌ای و تاریخی تاق‌بستان در نوشته‌های کهن

نام کرمانشاه با کوه بغستون یا بغستان (بیستون) و تاق‌بستان (تاق‌بغان) در کتاب‌های کهن اسطوره‌ای، دینی و تاریخی از زمان‌های بسیار دور درج گردیده است. بغستان در ترجمه پارسی باستان به معنی جایگاه خدایگان ترجمه شده است و تاق‌بستان گاهی تاق‌بغان یا تاق خدایگان ذکر گردیده است. دیودورسیسیلی از کوه بغستان نام میبرد که ملکه سمیرامیس در هنگام حمله به سرزمین ماد در برابرش در کنار چشمه‌ای جوشان اردوی خود را بر پا

می‌کند و او پای این صخره را حجاری و سنگ نگاره‌اش را که صد نگهبان آن را در بر گرفته بودند نقر می‌کند (دیودور سیسیلی، ۱۳۸۴: ۱۲۴) توصیفی که دیودور از منطقه کرمانشاه دارد منطقه‌ای خوش آب و هوا و مملو از درختان میوه و هر آنچه که مایه خوشی و لذت زندگی به حساب می‌آمده است (سیسیلی، ۱۳۸۴: ۷۹۱) تقدس کوه بیستون و تاق-بستان و چشمه‌هایی که در اطراف هر دو کوه می‌جوشند، این جایگاه را محلی برای نیایش بغان مقدس آریایی قرار داده بود. به قول مورخان دنیای باستان، ایرانیان خدای خود را در کوه‌ها عبادت می‌کنند (هردوت، ۱۳۸۳: ۱/۲۱۵) و (استرابون، ۱۳۸۲: ۳۲۳) طبق گزارش گزنفون در کتاب کوروش نامه، کوروش هنگامی که فهمید به زودی به سرای جاودان خواهد شتافت به قلعه‌ای که در نزد پارسیان مقدس است رفت و روی نیاز به درگاه خداوند برد و دعا کرد (گزنفون، ۱۳۸۳: ۲۶۶) کمتر واقعه‌ای در تاریخ داستانی و اسطوره‌های دینی ایرانیان باستان وجود دارد که بر کوهی و یا در کنار آبی رخ نداده باشد. کوه و آب اجزای جدایی ناپذیر تاریخ، دین و اسطوره‌های آریایی بوده‌اند. محل زیست و زایش اولین انسان اسطوره‌ای ایرانی کیومرث، در کوه بود و او را پادشاه کوه‌ها نام نهاده‌اند (بلعمی، ۱۳۸۶: ۱/۱۱۹) در نوشته‌های پهلوی و سروده‌های مقدس دیانت زرتشتی بارها از کوه و تقدس آن سخن رفته است. در بندهش، ویسپرد، مینوی خرد، زادسپرم کوه‌ها ستایش شده‌اند و از باورمندان آیین بهی (زرتشتی)، خواسته شده است گوهر کوه‌ها با زور و برسم ستایش شوند (فرنغ دادگی، ۱۳۸۰: ۷۱) و (پورداد، ۱۳۸۱: ۳۲) و (تفضلی، ۱۳۵۴: ۷۱) ولی هر کوهی جلوه‌گر این تقدس نبود. کوه باید دارای شاخصه‌هایی باشد تا بتوان آن را مقدس پنداشت. بایستی در کنار کوه، چشمه‌ای جوشان می‌تراوید و نور، پیکر آب و کوه را از آلودگی اهریمن می‌زدود (قرشی، ۱۳۸۰: ۱۷۴) این شاخصه مقدس و ترکیب کوه و آب و نور در تاق‌بستان و بیستون جلوه‌گر است. اهمیت تاریخی، اسطوره‌ای و دینی کوه‌های کرمانشاه به اندازه‌ای بود که حتی استرابو جغرافیدان دنیای باستان در کتاب خود از اهمیت و جایگاه خاص رشته کوه زاگرس نام برده است (استرابو، ۱۳۸۲: ۳۲۳) بعد از اسلام همچنان مورخان و جغرافی نویسان توجه‌ای ویژه به کرمانشاه و کوه‌های مقدس و آثار تاریخی نقش بسته بر آن کوه‌ها را داشتند از مهمترین منابعی که ذکر نام کوه تاق‌بستان در آن دیده می‌شود کتاب مروج الذهب مسعودی مورخ (سده چهارم ق) است او در باره نقوش تاق‌بستان می‌نویسد "اسبی که تصویر آن با پرویز و چیزهای دیگر در کوهستان ولایت قرماسین از توابع دینور هست و اینجا با تصویرهای کم نظیر که در سنگ کنده شده از شگفتی‌های جهان محسوب

روایت اسطوره آفرینش ایران باستان در ... (فرهاد رحمانی تالاندشتی و دیگران) ۱۰۷

می‌شود" (مسعودی، ۱۳۷۰: ۱/۲۶۷) ابن‌رسته مورخ اوایل قرن سوم (۲۹۰ق) در کتاب الاعلاق النفیسه کرمانشاه را قرماشین می‌گوید و شب‌دیز (حجاری تاق‌بستان) را در سه فرسخی آن توصیف کرده و آن تاقی است که در کوه کنده شده و در آن صورت پرنندگان و غیره وجود دارد از جمله آن صورت‌ها که در سینه تاق قرار دارد عکس مردی است که زره پوشیده و در مقابل آن زنی است که گفته‌اند، آن شیرین است (ابن‌رسته، ۱۳۸۰: ۱۹۵) احمدبن ابی یعقوب (متوفی ۲۹۰ق) در کتابش البلدان شهر کرمانشاه را کرد نشین و پرجمعیت دانسته است (ابی یعقوب، ۱۳۸۱: ۳۷) یاقوت حموی (۶۲۶ق) کرمانشاه را در کتابش با اسطوره خسرو شیرین معرفی می‌کند (حموی، ۱۳۴۷: ۱۴۶) ابن‌حوقل (سده چهارم ق) تاق‌بستان را جایی دانسته است شبیه غار که چشمه آبی در آن جاری است و نقش اسبی به زیباترین شکلی که ممکن است بر دیوار آن است و مردم معتقدند که نقش اسب خسرو به نام شبدار است و نیز در آنجا نقش خسرو از سنگ و نقش زن او شیرین در سقف غار کنده شده است (ابن‌حوقل، ۱۳۴۵: ۱۱۶) ابو‌عبداله محمدبن احمد مقدسی (قرن ۴ ق) در کتاب احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم معتقد است بنیان شهر کرمانشاه به قباد می‌رسد (مقدسی، ۱۳۸۵: ۳۷۵) ابولقاسم احمد بن جیهانی در کتاب اشکال العالم، از عظمت کوه بیستون می‌گوید و اسب کسری و خود کسری که بر شب‌دیز نشسته است (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۴۳) تقدس کوه‌های کرمانشاه در دین، اسطوره و باورهای فرهنگی مردمان ایران باستان و عبور جاده ابریشم از این منطقه، کرمانشاه را تبدیل به دروازه آسیا کرده بود (گیرشمن، ۱۳۷۰: ۱۹۰) ویژگی‌های ذکر شده باعث شد که پادشاهان ایران باستان همواره نگاه ویژه‌ای به این سرزمین داشته باشند و برخی از باشکوه‌ترین آثار خود را در آن به یادگار گزارند.



تصویر ۱ (گیاه آغازین، مشی و مشبانه)

۳. سرآغاز اسطوره آفرینش در باور مردمان ایران باستان

سرآغاز خلقت و آفرینش نخستین، در ایران باستان از زمین بود و نکته جالب آن است که آغاز زندگی بشر در اسطوره‌های آریایی از گیاه پیکری شکل گرفت و به انسان خردمند غارنشین تکامل یافت. غار که زیستگاه نخستین انسان در کاوش‌های باستان‌شناسی بوده در اسطوره‌های ایران باستان نیز نخستین مکان زندگی انسان اسطوره‌ای ایرانی است. غار تاق-بستان تمثیلی از اولین بوم و خان انسان است جایی که گیاه نخستین در پای آن روید و از آن گیاه در روند تکاملی آفرینش نخستین زوج بشری مشی و مشبانه پا به حیات خاکی نهادند (شهرستانی، ۱۳۶۱: ۱/۳۹۶) و (اصفهانی، ۱۳۴۶: ۱/۶۲) کیومرث نخستین آفریده اهورامزدا بود. او را گرشاه، یعنی پادشاه کوهها گفته‌اند. گر در فارسی به معنی کوه آمده- است (ثعالبی، ۱۳۸۵: ۱/۲) و (بلعمی، ۱۳۸۶: ۱/۱۱۹) و (پورداد، ۱۳۷۷: ۲/۴۴) او نخستین آفریده اهورا مزداست که در کوه به سر می‌برد. ایرانیان همه بر این اعتقادند که کیومرث همان آدم نخستین است (ابن خلدون، ۱۳۸۳: ۱/۱۶۸) و (مسعودی، ۱۳۷۰: ۱/۲۱۵) لقب وی گلشاه

یعنی پادشاه گِل بود (بیرونی، ۱۳۷۷: ۳۵) این مرد مبدا تناسل بشر در اسطوره‌های ایرانی است و در دنیا سی سال بزیست و چون در گذشت از صلب وی نطفه‌ای بیرون آمد و در زمین فرو رفت و چهل سال در رحم زمین بماند از این نطفه دو گیاه شبیه ریواس رویدند سپس از جنس گیاه به جنس انسان تحول یافتند یکی نر و دیگری ماده در قامت و صورت یکسان و نام ایشان مشه و مشیانه بود (اصفهانی، ۱۳۴۶: ۱/۶۲) گاو مقدس یکتا که آنرا ثور (گاو مقدس) می‌گفتند در کنار کیومرث زندگی میکرد. پس اهریمن کیومرث و گاو نخستین را کشت و از تخمه کیومرث و گاو که در دل زمین کاشته شد، ریباس (گیاه مقدس) برآمد و از اصل ریباس مردی متولد شد که او را مشیه و زنی که آنرا میشانه گفتند و اصل پیدایش و تناسل آدمیان او بود از جای که تخمه گاو در دل خاک نهاده شد، چهار پایان و همه حیوانات پدید آمد (شهرستانی، ۱۳۶۱: ۱/۳۹۶) نام نخستین انسان در دین زرتشتی و اسطوره‌های ایران باستان کیومرث است زیستگاهش کوه و خانه‌اش در غار بود و در کنار کیومرث در اسطوره‌های آریایی نام موجود مقدس دیگری نیز بیان شده است که همراه او زندگی میکرد. او با کیومرث خلق شد و با او هم مرد. این موجود، گاو مقدس نخستین یا گاو یکتا آفریده است. هنگامی که اهریمن شکوه آفرینش این دو آفریده‌ی اهورامزدا را دید تمام همت خود را بر آن نهاد تا آن دو را به هلاکت رساند. اهریمن بر کیومرث و گاو مقدس نخستین می‌تازد کیومرث را بیماری برآمد، مرگ بر تن کیومرث و گاو نخستین چیره شد. چون کیومرث مرد دو امشاسپند فرشتگان مقدس دین بهی تخمه (نطفه) کیومرث و گاو نخستین را از تن آن دو گرفتند. تخمه گاو و کیومرث را به ماه و خورشید بردند و در نور آن جایگاه مقدس از آلودگی پالوده نمودند. تازمانی که اهریمن زمین را ترک کرد آن نطفه را در نور درخشان ماه محافظت کردند (فرنیغ دادگی، ۱۳۸۰: ۷۰) آنگاه که پلیدی اهریمن از زمین دور شد آن دو فرشته مقدس چهل سال آن تخمه را در دل زمین سپردند. با به سر رسیدن چهل سال، ریباس (گیاه مقدس) پانزده برگ (مشی و مشیانه) از آن تخمه از زمین رستند. میان آن دو فره یا خرد خداوندی بود چنان آن دو گیاه و فره اهورایی به هم شبیه بودند که پیدا نبود کدام نر و کدام ماده و کدام فره اهورامزدا بود. سرانجام تکامل نطفه به گیاه و تراویدن فره و خرد اهورایی بر آن به انسان خردمند می‌انجامد (فرنیغ دادگی، ۱۳۸۰: ۸۱) و (زاداسپر، ۱۳۶۶: ۱۶) اولین کنشی که اهورا مزدا به آنان آموخت چنین بود: مردم‌اید، پدر و مادر جهانید، شما را با برترین اندیشه (عقل و خرد) آفریدم. جریان کارها را با خرد به انجام رسانید (پورداد، ۱۳۷۷: ۱/۱۰۵). تکامل نطفه

کیومرث به گیاه و تکامل گیاه تا نهایت انسان خردمند در قالب اسطوره کیومرث بیان شده- است. کیومرث نماد یک فرد نیست نماد دوره‌ای از زیست بشر در قالب گیاه و تکامل این گیاه تا انسان غارنشین است. اصل نژاد و سرچشمه مخلوقات او است (مسعودی، ۱۳۷۰: ۱/۲۱۵) فردوسی در کتاب شاهنامه دو خصوصیت مهم زندگی انسان نخستین (کیومرث) را ذکر کرده است. اول آنکه محل زندگی او کوه و خانه‌اش غار بود و دوم از پوست حیوانات برای خود پوشش و لباس بر تن می‌کرد.

کیومرث شد بر جهان کد خدای نخستین به کوه اندرون ساخت جای
سر و تخت و بختش برآمد زکوه پلنگینه پوشید خود با گروه

(فردوسی، ۱۳۸۹: ۷)

کیومرث با فرزندان خود در کوه بودند و آنجا قرار گرفتند و بسیار شدند و در کوه ماوا کردند، سلاح او یکی چوب بزرگ بود و فلاخنی، نام خدای بزرگ بر آنجا بنشسته (بلعمی، ۱۳۸۶: ۱/۱۱۹) بلعمی نیز دو خصوصیت مهم انسان غار نشین را برای کیومرث ذکر کرده است اول آنکه او در غار میزیست و نکته دوم و مهمتر، اسلحه جنگی اوست، چوبی که سنگی به سر آن بسته شده است. انسان نخستین که مشخصه او خرد و دانایی است، نخستین مکانی را که برای زیستن اختیار می‌کند غار است، شکارگر است و لباسش از پوست حیوانات است. ابزارش از سنگ است و سلاح او چوبی است که سنگی را بر آن قرار داده و دیوان و درندگان را با آن می‌راند (بلعمی، ۱۳۸۶: ۱۱۹). نکته جالب در توصیف انسان اسطوره‌ای آریایی شباهت بسیار زیاد روایتهای اسطوره‌ای با کاوشهای باستان‌شناسان است مثلاً گیرشمن در کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناسی خود انسان غارنشین را دقیقاً مطابق با اسطوره‌های آریایی توصیف می‌کند و مهم‌ترین ویژگی انسان غار را در نجد ایران بر می‌شمارد. او در کاوش‌های خود در غار (تنگ پیده) در کوه‌های بختیاری واقع در شمال شرقی شوشتر ویژگی انسان غارنشین ایرانی را ذکر می‌کند: پوست حیوانات را می‌پوشید و برای تهیه خوراک خود به شکار می‌پرداخت برای این منظور، حیل را پیش از قدرت به کار می‌برد. وی به طرز استعمال چکش سنگی، تبر دستی و تبری سنگی که به چوبدستی شکافدار متصل بود آشنایی داشت (گیرشمن، ۱۳۶۸: ۱۰) چوبدستی کیومرث اسطوره‌ای و سلاح انسان غارنشین در مکان تاریخی و باستانی بیستون، غار شکارچیان متعلق به دوران پارینه‌سنگی هم دیده شده که توسط انسان غارنشین، مورد استفاده قرار

می‌گرفته است. کوه بیستون که غار شکارچیان در آن قرار دارد و کتیبه معروف داریوش اول در آنجا حک شده، در غار تاریخی باستانی بیستون ابزارهای سنگی که به یک دسته چوبی مانند اتصال میافت توسط باستان شناسان کشف شده است (گراتوسکی، ۱۳۸۵: ۲۷).
ابزاری که در اسطوره‌های آریایی بر آن تاکید شده است. این ابزار در قسمت باختری ارومیه، خاورکویر نمک، فارس و مناطق دیگر از جمله لرستان و کردستان به مقدار زیاد کشف شده‌اند. همه این آثار در غارها و سرپناه‌های صخره‌ای بدست آمده‌است (همان: ۲۷)
با مطالعه کاوشهای باستانی در باره ابزار و نحوه زیست انسان غارنشین نجد ایران و اسطوره‌های آفرینش آریایی ویژگیهای هر دو به طرز شگفت آوری با هم منطبق هستند.
انسان غار نشین اسطوره‌ای ایرانی در شکل و نماد کیومرث تجسم یافته است. لباس حیوانات را میپوشد، ابزارش سنگ و خانه اش غار است. مهمترین سلاح جنگی او تبری است که از چوب ساخته شده و بر بالای آن سنگی قرار گرفته است. کیومرث شکارگر است و پادشاه کوه است. مردمان آریاییهای دوره پیش از تاریخ واقعیتهای زندگی خود و نسلهای گذشته را در دل سروده‌های اسطوره‌ای پیچیده‌اند و در شکل داستان به نسل بعد انتقال دادند. در دوره‌های بعد، اسطوره‌ها در باورهای دینی مردمان آریایی وارد شدند و فرهنگ، دین و هنر مردمان این سرزمین را در بر گرفتند و در عالی‌ترین نمادهای هنری و کتیبه‌های باستانی تجلی یافتند. یکی از مکانهای بی نظیر که هنر، تاریخ، فرهنگ و اسطوره در هم ترکیب یافته‌است تاق‌بستان کرمانشاه است. پیکره‌هایی که از تاریخ سلحشوری، شکار و پهلوانی سخن می‌گویند و نماد، نشان و سمبل‌هایی که از فرهنگ و جهان اسطوره‌های معنوی ساسانی رازها فاش مینمایند.



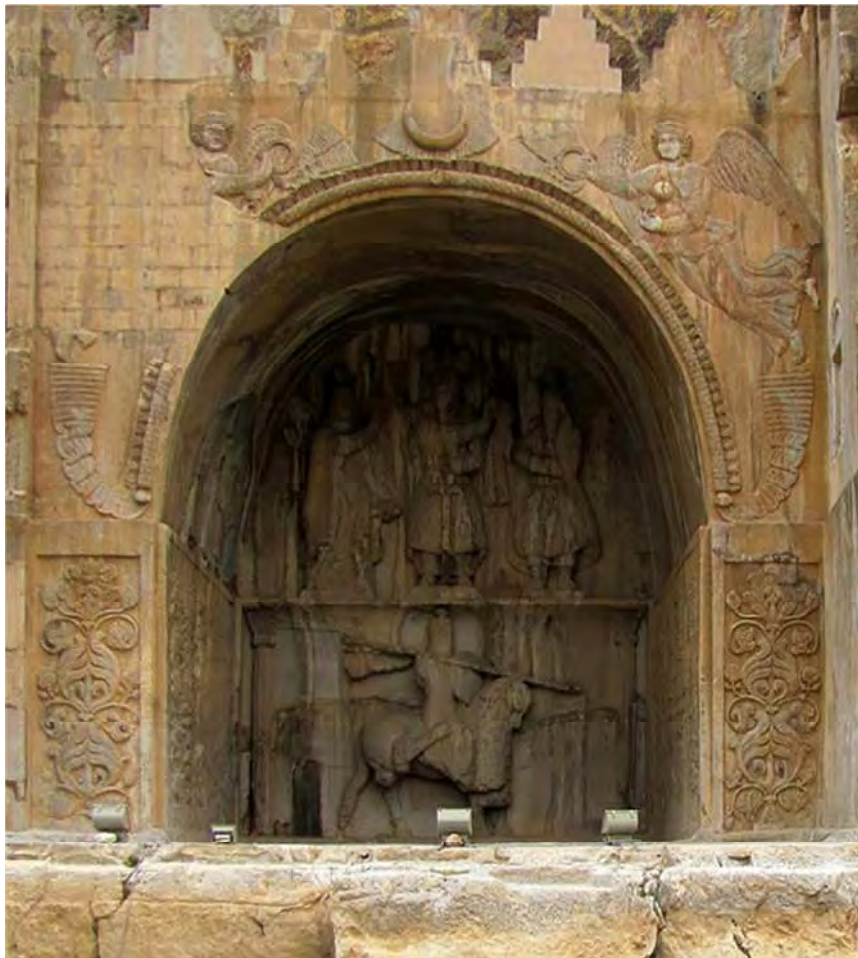
تصویر ۲ (نمادهای تاق بستان)

۴. رابطه اسطوره آفرینش آریایی با تزئینات گیاه و ماه در تاق بستان

بزرگترین اثر تاریخی تاق بستان، حجاری‌های تاق بزرگ است که متعلق به دوره خسرو دوم خسرو پرویز (۵۹۰-۶۲۸ م) می‌باشد. این تاق حدود هفت متر و سی سانتیمتر عرض، شش متر و هفتاد سانت عمق و بیش از نه متر ارتفاع دارد. درون تاق در سمت راست صحنه شکاری است که در آن پادشاه در حال تعقیب گوزن است و در سمت چپ قابی کنده شده است و در آن نقش شاهنشاه در حال صید گراز وحشی دیده می‌شود. این هر دو نقش از نظر تصور صحنه جاندار و زنده‌اند و هر دو نقش اهمیت تاریخی و ارزش باستان‌شناسی بسیار دارند. هر تسفلد در باره صحنه شکار در تاق بزرگ می‌گوید صحنه شکار و تماشای این صحنه بر روی دیوارهای جانبی، پا گذاشتن به دنیایی دیگر است. در نگاه اول، انبوه حیرت‌انگیز جزئیات ظریف بیننده را سحر و جادو می‌کند. گوشه و کناره‌هایی دارد که زیبایی هر یک وصف‌ناکردنی است و با زیبا ترین آثار هنری که تا به حال آفریده شده برابری می‌کند. اما هر چه بیشتر در جزئیات دقت شود و ترکیب بندی روی هم رفته و یک

جا مطالعه شود از قدرت و اثر نگاه اول کاسته می‌شود (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۳۴۳) فراتر از این دو حجاری صحنه شکار، نقشهای برجسته‌ای است که در دیوار عقب مزین شده‌اند. دیواره انتهای تاق به وسیله لبه حجاری شده‌ای به دو قسمت تقسیم شده است. قسمت پایین مجسمه عظیمی که خسرو را سوار بر اسبی جنگی و غول پیکر نشان می‌دهد و قسمت بالایی دیوار، نقش گروهی سه نفری را فرا گرفته است که درست بالای مجسمه اسب سوار حجاری شده‌اند. در وسط پادشاه با لباس کامل سلطنت ایستاده و شمشیرش را در برابر خود رو به پایین نگهداشته است چنانکه سر آن به زمین تکیه دارد با دست راست حلقه‌ای را که مزین به نوارهای آویخته موجدار است از شخص ریشداری دریافت می‌دارد که به قبای بلند کمردار و نیم تنه‌ای ملبس است و شلواری گشاد که کاملاً به قوزک پا نمی‌رسد پوشیده‌است. نفر سوم که در جانب راست شاه ایستاده زنی است که حلقه گل پیروزی در دست دارد و آن را به شاه تقدیم می‌کند و در همان حال از کوزه‌ای که در دست چپ دارد آب را بر زیر پای خسرو جاری نموده است این پیکره‌های تاریخی در حجاری تاق بزرگ مزین به تزییناتی در بیرون تاق است. هلال ماه در اوج تاق نقش بسته است و در دو سوی دو پیکره فرشته که نیمتاج و کلاه دارند، آنها حلقه قدرت را در انوار ماه که در اوج تاق مزین است، متبرک می‌کنند آن دو فرشته جامی سرشار در دست دیگر دارند. در زیر پای فرشتگان نقش دو گیاه بر ستون تاق نقش بسته است. گیاه نقش بسته در تاق‌بستان چنان در باور فرهنگی، دینی و هنری ساسانی اهمیت داشت که سرزمینهای دیگر در وام‌گیری از مفهوم مقدس این درخت در آثار هنری و دینی خود از آن بهره گرفتند. مثلاً کلیسای ژرمنی دپره نزدیک ارلثان به طرح آتشکده ساخته شده و دیوارهای آن با گچ‌ریزهایی تزیین یافته است و میتوان در آنها تصویر درخت زندگانی را که در تاق‌بستان نقش شده مشاهده نمود (گريشمن، ۱۳۸۱: ۴۰۵) هر نماد و نقش در حجاری تاق‌بستان یادآور یک دوره تاریخی است و روایت‌گر یک داستان اسطوره‌ای در باور مردمان ایران باستان بوده است. این ترکیب تاریخ و اسطوره در نمادها و حجاری‌های تاق‌بستان چگونه می‌تواند با اسطوره‌های مردمان ایران باستان و روایت‌های دینی و آیینی اقوام آریایی در ارتباط باشد؟ و چگونه این نمادها و نشانها تجلی بخش اسطوره‌ی آفرینش در باور مردمان ایران باستان بوده است؟

تاق سنگی در اساطیر آریایی تمثیلی از آسمان و جهان خلقت است در اوستا به موجب باور مغان، گنبد آسمان از سنگ ساخته شده و واژه سنگ و آسمان، آسانه، آسن دارای یک معنی است (دوستخواه، ۱۳۸۰: ۱/۴۴۳) واژه‌ی (آسانه، آسن) به معنی سنگ و هم آسمان و فلک می‌باشد.



تصویر ۳ (نمای تاق بزرگ تاق‌بستان)

گویش تاق‌بستان در اصل تاق‌وسان بوده و سان در گویش کردی و در واژه شناسی اوستایی به مفهوم سنگ و آسمان است. تاق و سان را تاق سنگی یا تاق آسمانی می‌توان نامید. شکل آسمان در کتاب مینوی خرد به شکل تخم مرغ است و شباهت زمین در میان

آسمان مانده زرده است میان تخم (تفضلی، ۱۳۵۴: ۶۱) تاق‌بستان سمبلی از آسمان است که موجودات مینوی مقدس در آن نقش بسته‌اند در اوج آسمان (تاق سنگی) تاق‌بستان، هلال ماه دیده می‌شود ماه عنصر مقدس و قابل ستایش در دیانت کهن مردمان آریایی بوده است (استرابو، ۱۳۸۲: ۳۲۳) و (هردوت، ۱۳۱: ۱/۱۳۸۳) در اوستا کتاب مقدس زرتشتیان ماه مورد ستایش قرار گرفته و یکی از بخش‌ها و یشت‌های اوستا ماه یشت، این گوهر نیک هستی اهورا آفریده که با انوار مقدس خود زمین را در شب تیره روشن می‌گرداند مورد ستایش قرار داده است. ماه جایگاه نطفه آغازین خلقت بوده و امشاسپندان (فرشتگان مقدس بی‌مرگ) انوارش را می‌گیرند و بر زمین فر و انوار ماه را می‌افشانند. هنگامی که فروغ ماه بتابد همیشه گیاه سبز از زمین می‌روید. این نور ماه است که زمین را بارور می‌نماید (پورداد، ۱۳۸۰: ۱۲۲) ماه نگهبان و رویاننده گیاه و رستنی است (پورداد، ۱۳۷۷: ۱/۳۱۸) در آثار اوستایی آمده است که رویش گیاهان، زایش و بالش مردم، نعمت و برکت و فزونی آب‌ها به ماه بستگی دارد. در تاق‌بستان، رابطه ماه، گیاه، چشمه‌های جوشان و دو امشاسپند، هروتات و امرتات نگهبانان آب و گیاه تجسم یافته است (بیرونی، ۱۳۷۷: ۳۳۶) چشمه‌هایی که در دو سوی تاق در جوشش هستند و گیاه مقدس (گوکرنه) همان گیاه آغازینی که مبدا پیدایش انسان شد در دو طرف تاق و زیر پای فرشتگان حجاری شده‌اند، تخمه این گیاه توسط دو امشاسپند از ماه به زمین آورده شده در همان جام سرشاری که در دست فرشتگان است و نور ماه آن را از آلودگی‌های اهریمنی پاک کرده است و سرانجام آن تخمه کیومرث در دل زمین آرام گرفته است، دو فرشته مقدس هروتات و امرتات، هروتات امشاسپندی که در گیتی پرستار آب است و امرتات، او پرستار گیاه است هر دو امشاسپند در تمثیل دو فرشته با بالهای گشوده که بر دیوار سنگی تاق‌بستان در اهتزازند محافظان گیاه آغازین و باروری دهنده همیشگی چشمه‌های جوشان تاق‌بستان می‌باشند (پورداد، ۱۳۸۰: ۱۲۲) و (عقیقی، ۱۳۸۳: ۶۱۴) دو امشاسپند مقدس به صورت دو فرشته در دو طرف تاق بزرگ تاق‌بستان بر فراز جوشش چشمه‌های مقدس و گیاه آغازین در پروازند. جامی در دست و حلقه‌ای را به سمت انوار ماه گرفته‌اند، هلال ماه در تمثیل شاخ گاو در اوج تاق، نمایش داده شده است. ماه و گاو همراه هم در هنر حجاری تاق‌بستان یکی شده‌اند. ترکیب دو نماد ماه و شاخ گاو در خرده اوستا مشخص‌کننده این رابطه ناگسستنی است چنان که حجار تاق‌بستان به زیبایی این ترکیب را در نقش هلال ماه و شاخ گاو در اوج تاق‌بستان نشان داده است. زیرا ماه در بر دارنده تخمه گاو نخستین است همان

موجودی که همراه کیومرث بود و سرآغاز خلقت موجودات جهان از نطفه آن دو آغاز گردید. اهریمن آنها را هلاک کرد و نطفه گاو نخستین دور از وجود اهریمن در نور ماه محافظت می‌شد (پورداود، ۱۳۸۰: ۱۲۴) ماه تشکیل دهنده تخمه و نژاد ستوران و حافظ نطفه نخستین آفریده اهورا مزدا، گاو نخستین و کیومرث بود (فرنبرگ دادگی، ۱۳۸۰: ۴۱) و (بویس، ۱۳۷۵: ۱/۱۹۴) اهریمن دیو آز و دیو رنج و گرسنگی و ناخوشی را برای آزار و گزند آنان گماشت (پورداود، ۱۳۷۷: ۱/۳۱۷) گاو نخستین سفید و روشن بود چون ماه (بهار، ۱۳۷۶: ۲/۴۶) او از آسیب دیو لاغر و ناتوان گردید تا آنکه جان سپرد آنچه از نطفه آن پاکان بود (گاو و کیومرث) توسط دو فرشته مقدس، امرتات و هروتات به ماه انتقال یافت در آنجا به واسطه نور تصفیه گردید. زمانی که اهریمن زمین را ترک کرد و پلیدی او از زمین دور شد دو امشاسپند (فرشته‌های بی‌مرگ) نطفه کیومرث و گاو نخستین را در دل زمین کاشتند و از رویش آن نطفه‌ها یک جفت جاندار نر و ماده به شکل گیاه پیکری پدیدار گشت. در اوج تاق‌بستان دو فرشته، جامی را در مقابل نور ماه متبرک می‌کنند جامی که لبریز از نطفه آغازین خلقت است هنگامی که نور ماه آلودگی اهریمنی را از آن نطفه‌ها زدود آن دو فرشته نطفه‌های آغازین خلقت را در دل زمین جای می‌دهند. نطفه کیومرث گئومرث که معنایش گیاه (فره وشی، ۱۳۵۸: ۱۳۰) و یا طبیعتِ میرنده است به اراده خدا از زمین روید، درست همانگونه که گیاه بروید. دو موجود نرینه و مادینه به نام‌های مشی و مشیانه از تکامل این گیاه به وجود آمدند این جفت نر و ماده در آغاز به صورت گیاه بودند و به مرور زمان تغییر شکل یافته به شکل انسان درآمدند و آنگاه روان در آنها دمیده شد. پس از آن اهورا مزدا به آنها خطاب کرده چنین گفت: شما انسانید، شما پدر و مادر مردم جهانید، من شما را کامل آفریده‌ام تا احکام مرا در جهان به اجرا درآورید اندیشه نیک داشته باشید؛ گفتار نیک داشته باشید، کردار نیک داشته باشید. این‌ها بنابر اساطیر ایرانی نخستین پدر و مادر بشر بودند، و همه مردم روی زمین فرزندان این‌ها هستند (فرنبرگ دادگی، ۱۳۸۰: ۸۱) فرشتگان مقدس بی‌مرگ نطفه آغازین آفرینش را در دل زمین در پای کوه مقدس (تاق-بستان) که چشمه آنها را در آن روان است و پیکر میترا و نور خورشید آلودگی را از زمین آن دور داشته، می‌کارند. دو گیاه تجسم یافته در دو طرف تاق‌بستان از زمین میروید آن دو گیاه مقدسی که تخمه و نطفه آغازین آن توسط دو فرشته مقدس به زمین آورده شد و اینک آن دو مقدس بی‌مرگ دو امشاسپند حافظان گیاه و آب برای محافظت از خلقت آغازین بر فراز آنجا در پروازند. اسطوره آفرینش در پای تاق‌بستان متجلی می‌گردد. این نمادهای اسطوره‌ای

حجاری شده بر صخره تاق در داستانهای دینی و اوستایی بیان شده است و بخشهایی از کتابهای دینی زرتشتی به بیان آن پرداخته است. سوالی که در هنر تاقبستان مطرح می‌شود این است که چرا پس از دوران شاپور دوم نقش برجسته مستطیل شکل متروک می‌شود و غار که همانند تاقچه است به جای آن برگزیده می‌شود؟ این اندیشه دوبار در تاقبستان تحقق یافته است و معلوم است که شاهنشاه میل داشته است که در آن غارها

مجسمه‌ای برپا شود این تغییر و جا به جایی مرکز فرهنگی و دینی ساسانی از مرکز ایران (پارس) به کرمانشاه و جایگزینی غار به جای تاقچه در حجاری و پیکر تراشی ساسانی می‌تواند تداعی کنند اوج گیری باورهای میتراپی در دیانت شاه و درباریان در این دوره باشد. تاقبستان تمامی شاخصه‌های تقدسی آیین میتراپی را در خود دارد وجود صخره و گل نیلوفری که میترا از آن زاده شده است در نقش اردشیر (۳۷۹-۳۸۳ میلادی) یازدهمین پادشاه ساسانی جلوه‌گر است. به موجب اوستا و فرهنگ عصر اوستایی، گرد سر میترا هاله- ای می‌باشد این موضوع در اوستا نیز نقل است. به موجب مهر یشت که سرود میترا است، گرد سر مهر هاله‌ای روشن فرا گرفته و از فراز آسمان همه کشورها و سرزمین‌های آریایی را می‌نگرد (رضی، ۱۳۸۱: ۳۸۹) در تاقبستان میترا با انوار نور بر گرد سرش بر صخره‌ای مقدس نقش بسته که یادآور زایش اوست و او بر گل نیلوفر ایستاده است. نقش غارها در یادآوری دخمه‌های میترایسم برای اجرای مراسم دینی و وجود چشمه‌های مقدسی که در اطراف تاقبستان در حال جوشش هستند. همه نمادهایی از وجود تقدس مهر در تاقبستان است چشمه‌هایی که در زیر پای میترا می‌جوشند. در همه‌ی اشارات کهن هند و ایرانی میتراست که برای معتقدان و مومنان به خود باران می‌باراند و آب ساز و باران آور و جوشش چشمه از برکت اوست (رضی، ۱۳۸۱: ۳۸۸) میترا کیمن دار این ایزد آسمانی پیکانی بر صخره سنگی می‌افکند و از اثر برخورد آن، چشمه‌ای زندگی بخش جاری می‌شود تا انبوه و گروه دوستانش سیراب شوند (کومن، ۱۳۸۳: ۱۳۹)



تصویر ۴ (هلال ماه در اوج تاق بزرگ)

هلال ماه در تمثیل شاخ گاو که در اوج تاق بزرگ نقش بسته است و در هم ترکیب یافته‌اند در اسطوره آفرینش میتراپی همواره در کنار هم قرار دارند. هنگامی که میترا گاو را قربانی کرد گاو به ماه تبدیل گردید، اینگونه گاو نر، ماه است. در تاق‌بستان ماه و شاخ گاو در یک ترکیب هنری در هم تلفیق یافته‌اند. افزون بر آن مرگ گاو نخستین در اسطوره میتراپی با ماه تا آنجا به هم پیوسته است که در برخی از سنگ نگاره‌های میتراپی گاو رو به مرگ، تخمه‌ی خود را می‌ریزد و کوزه‌ای در کنار جسد گاو وجود دارد که مَنی گاو در آن نگهداری می‌شود تا برای پالودن به ماه برده شود (مرکلباخ، ۱۳۸۷: ۲۳۸) میترا گاو را قربانی می‌کند تا از اعضای بدن آن هستی و خلقت شکل بگیرد از کالبد گاو که در حال مرگ است گیاهان سودمندی شروع به رویدن کردند از نخاع او گندم و از خون حیوان تاک رست. پس اهریمن دیوان بد سرشت را برای تباهی این برکت به سوی گاو فرستاد تا سرچشمه حیات بخش را به زهر بیالاید. نطفه گاو توسط فرشتگان به ماه برده شد. در ماه نگهداری و صیانت و تطهیر گردید. به این طریق بود که میتراپی گاو اوژن به وسیله قربانی مقدس؛ همه جانوران سودمند و گیاهان زندگی بخش را به روی زمین سبب ساز شد و کشته شدن گاو توسط او جهان نوین و بارورتری را به وجود آورد (کومن، ۱۳۸۳: ۱۳۸) تخمه گاو به ماه سپرده شد آن تخمه به روشنی ماه پالوده شد (فرنیغ دادگی، ۱۳۸۰: ۶۶) نطفه‌ها در دل زمین قرار گرفت، جهان بالید و آفرینش انسان و موجودات آغاز یافت. نکته مهم در بررسی دو داستان آفرینش نخستین در اسطوره میتراپی و اسطوره‌های دینی مرتبط با اوستا، آن است که در داستان آفرینش اوستایی اهریمن گاو نخستین را هلاک می‌کند. و در

داستان آفرینش میتراپی این ایزد میتراست که گاو مقدس نخستین را قربانی کرد. در گاتها، بارها زرتشت بر باورهایی که یادآور آموزه‌های میتراست و نمودی از مراسم قربانی گاو در آیین میترا بوده است می‌تازد زرتشت بیزار است از آنهایی که با فریادهای شادمانی گاو را قربانی می‌کنند و آموزه‌ی گاو کشی و قربانی ستوران را به باد انتقاد می‌گیرد (پوردادود، ۱۳۸۴: ۱۷۰) زرتشت از کوی‌ها و کرپن‌ها مینالد آنان به جای پروراندن گاو برای زراعت، این حیوان سودمند را به یاد آفرینش آغازین در مراسم دینی و آیینی خود قربانی می‌کنند (پوردادود: ۱۳۸۴: ۲۰۵) بهترین آموزه‌های میترا، قربانی کردن گاو است تا از وجود گاو نخستین خلقت آغاز گردد (دوستخواه، ۱۳۸۵: ۱/۳۷۴) اما در هر دو اسطوره آفرینش، میتراپی و اوستایی نطفه و تخمه گاو به ماه برده و بعد نطفه چون دانه‌ای در دل زمین کاشته می‌شود از آن نطفه رویش گیاه اساطیری (گئوکرنه) شکل می‌گیرد و تکامل این گیاه به خلقت انسان می‌انجامد. در آفرینش میتراپی، نخستین زوج بشری مشیه و مشیانه پدید می‌آیند، میترا به سرپرستی این نوع جاندار برگزیده و مامور می‌شود (کومن، ۱۳۸۳: ۱۳۹) تاق‌بستان و تزیناتش در برگیرنده هر دو اسطوره آفرینش اوستایی و میتراپی است. گویا حجار موظف بوده است بر اساس یک طرح و برنامه هدفمند اسطوره آفرینش آریایی را در نقوش تاق-بستان نمودار سازد و یک دوستی و رابطه‌ای ناگسستنی میان دو فرهنگ و دیانت کهن میتراپی و اوستایی برقرار سازد. همانگونه که ارداویراف برای پیوند زدن تمامی باورهای دین زرتشتی وظیفه داشت در سیاحتش به جهان دیگر آشتی و سازشی را برقرار نماید تا اتحادی بزرگ بین همه باورمندان دین زرتشت برقرار شود او به همراه ایزد سروش و ایزد آتش به جهان دیگر شتافت تا حقیقت یگانگی را به ارمغان آورد (رضی، ۱۳۷۶: ۳/۱۳۶۷) حقیقتی که در هنر تاق‌بستان متجلی شده است. هنر ساسانی در تاق‌بستان موظف بوده است مهمترین باورهای دینی زرتشتی و میتراپی را در کنار هم و به هم پیوند دهد.



تصویر ۵ (نقش دو فرشته در اهتزاز در اوج تاق بزرگ)

۵. نقش فرشته‌های تاق‌بستان در اسطوره‌های ایران باستان

دولت هخامنشیان با تمام وجود ودیعه دار مظاهر فرهنگی و اسطوره‌ای پیشینیان خود بودند آنان این مظاهر آریایی را چنان با هنر تمدنهای دیگر تلفیق کردند که دیگر هنر آنان ودیعه دار بیگانگان نبود بلکه هنری ایرانی و هخامنشی از دل آن تراوید. امپراطوری وسیع هخامنشی که از سرزمینها و فرهنگهای گوناگون تشکیل یافته بود در هنر ویژگی خاص خود را داشت هخامنشیان هنر را از سرزمینهای مختلف میستاندند و در یک نوآوری آن را در دل اسطوره و فرهنگ آریایی به هنری خاص هخامنشی تبدیل می‌کردند این ویژگی گرفتن، ترکیب کردن و نوآوری در هنر هخامنشی بارها تکرار میشد.

در دوره اشکانیان هر چند که تجلی فرهنگ ملی ایران باستان و بازگشت به سنتهای ایرانی هخامنشی دنبال می‌شد ولی میل به فرهنگ یونانی نیز متبلور بود. اشکانیان در زمان مهرداد اول واژه دوستدار یونان را به نقش سکه‌هایشان اضافه کردند و فرشته نیکه از آن نمادهای یونانی بود که اشکانیان در ظاهر و معنا آن را از فرهنگ یونانی به امانت گرفتند و در هنر خود به کار بردند این گونه است که در پشت سکه‌های اشکانی فرشته نیکه جلوه گر می‌شود (شهبازی، ۱۳۹۱: ۵۱). نقش این دو فرشته پیش از سلسله ساسانی در تدمر و دورا اثورپوس به روی دری چوبی هم دیده می‌شود (پوپ، ۱۳۸۷: ۲/۷۵۲). نیکه در یونان باستان ایزد بانوی پیروزی است که به شکل بانویی بالدار مشخص است (گرانث و هیزل،

روایت اسطوره آفرینش ایران باستان در ... (فرهاد رحمانی تالاندشتی و دیگران) ۱۲۱

ص ۴۴۵) (اشمیت، ۱۳۸۳: ۳۵۵). با این وجود یونانی مآبی تحمیل فرهنگ یونانی به فرهنگ آسیا نبود بلکه جوشش و در هم تنیدن هنر در نظر گرفته میشود (کالیبری، ۱۳۹۳: ۴۲۲) که در هنرسلوکی و در ادامه در هنر اشکانی تجسم یافته است وجود نیکه در اسطوره های یونان و انتقال آن به فرهنگ سلوکی و اشکانی بی تردید بر یک پیروزی اشاره دارد (Erickson, 2009: 180) فرشته نیکه نماد تقدس شاه است و آن که شاه مورد حمایت خدایان و موجودات مینوی اس (Curtis, 2007: 413) هرچند این مفاهیم در هنر ساسانی نیز متبلور است و در آثار هنری و حجاری های مختلف نقش نیکه بر فراز سر شاهنشاه ساسانی در اهتزاز است، حلقه یا دیهیم که نشان فره ایزدی است به پادشاه می بخشد. نماد پیروزی شاهنشاه بر دشمن را بازگو می کند یا در مراسم شکار که تداعی گر قدرت و شکوه جنگی شاه است نیکه نقش بسته است. بشقاب طلا و نقره با نقش شکار سلطنتی که در قرن هفتم میلادی تولید شده بالای سر پادشاهی که در حال شکار است فرشته بالدار گردن بند یا دیهیمی را به سوی شاه حمل می کند (Harper, 1981: 68). اما هنر ساسانی که تکامل و پیشرفت خود را قبل از روی کار آمدن اردشیر پاکان و بنیان نهادن امپراتوری ساسانی شروع کرده و در حال تکوین آن بود (شپرد، ۱۳۸۷: ۶۵۲) همواره الگو خود را در هنر و فرهنگ ایران باستان و شاهنشاهان هخامنشی می دید از این روی تاثیر فرهنگ یونانی در جهان ایرانی به شدت کاهش یافت هر چند در برخی از آثار هنری ساسانی بن مایه هایی از فرهنگ یونانی دیده می شود مانند نقش نیکه ولی این تصاویر بازگو کننده یک روایت ایرانی و برگرفته از اسطوره های ایران باستان است. اگر چه در هنر پیکر تراشی فرشته های نیکه، وام گیری از خارج مشهود است لیکن جوهره سنت و اسطوره ایرانی کلاً در زیر آن از نظر پنهان نمی ماند. حضور فرشته بالدار در هنر تصویری دوره ساسانی در نقش برجسته ها مشهود است نقش برجسته های مورد نظر در تنگ چوگان بیشاپور و در دو سوی رودخانه شاپور قرار دارند (گیرشمن، ۱۳۷۹: ۷۲). نقش برجسته پیروزی شاپور اول بر امپراتور روم تقریباً بالای سر پادشاه فرشته ای بالدار دیده می شود همان دو فرشته ای که در تاق بزرگ تاق بستان در اهتزاز می باشند. چگونه می توان این جوهر و داستان اسطوره ایی ایرانی که در لایه هنری ساسانی به خارج وام دار است را استخراج کرد؟

در اسطوره آفرینش آریایی دو امشاسپندی که وظیفه داشتند نطفه کیومرث و گاو نخستین را از تازش اهریمن محفوظ دارند واهورامزدا وظیفه نگهداری و پرستاری از آب و گیاه را به آنان داد و باروری، سرسبزی گیاهان، جوشش و خروش چشمه ها از برکت آن دو

است دو فرشته امرتات و هروتات می‌باشند دو فرشته هم صورت و هم سیرت (بهار، ۱۳۷۶: ۲/۷۳) فرشته‌هایی که در تاق‌بستان حجاری شده‌اند جامی لبریز در دست دارند آنان که قرینه یکدیگرند نور ماه را در جامی بر زمین می‌افشانند و نطفه آفرینش آغازین (کیومرث و گاو نخستین) را که در نور ماه پالوده‌اند بر زمین می‌آرند تا در دل زمین جای دهد و دو گیاه حجاری شده بر ستون‌های بیرونی که در زیر پای دو فرشته حجاری شده است، همان گیاهی است که سرآغاز خلقت بشر شد. گیاه گنوکرنه که مشی و مشیانه اولین زوج بشری از آن بالیدند و بشکفتند. گیاهی که آغازگر هستی بشر بودند یکی میوه دارد و آن دیگری فاقد میوه است که می‌تواند نمادی از زن و مرد بودن این دو باشد که با شادابی فراوان شکفته و نوید گیرا برای فراوانی و برکت است. طرحهای گیاهی، درخواستی برای باروری و زایش بوده است (پوپ، ۱۳۸۷: ۲/۶۰) با افشاندن پرتو ماه بر آن دو گیاه توسط امشاسپندان امراتات و هروتات، باروری به کمال خود میرسد. در متون کهن گاتها و اوستای متاخر، کتاب‌های مذهبی زرتشتی بارها از امشاسپندان سخن رفته است. در دیانت زرتشتی هفت امشاسپند یا هفت فرشته مقدس بی‌مرگ وجود دارند که برای هر کدام از آنها وظیفه‌ای از جانب اهورامزدا سرور دانا معین شده است. در گاتها سروده‌های زرتشت نام هفت امشاسپند درج گردیده است (پورداد، ۱۳۸۴: ۱۵۹) که به ترتیب زیر است: راستی و درستی (اشا)، نیک نهادی و اندیشه بزرگ (وهومن)، سلطنت مطلوب و شکوه پادشاهی (خشثرویری)، کردار نیک و پارسایی (سپنت آرمیتی)، کامروایی کامل (هروتات) و جاودانگی (امرتات) و آتش ذکر شده است (پورداد، ۱۳۷۷: ۱/۸۵) اینک باید دید از میان هفت امشاسپند کدام یک از آنها می‌تواند در سیرت و صورت شبیه هم باشند زیرا دو فرشته تاق‌بستان شبیه هم حجاری شده‌اند و باید دانست کدام یک از امشاسپندان با آب و گیاه و نطفه‌های آغازین خلقت و نور و هلال ماه در ارتباط هستند. از میان هفت امشاسپند، ششم مینویان هروتات (خرداد) و هفتم مینویان امرتات (مرداد) است. هروتات از آفرینش گیتی آب را به خود پذیرفت. امرداد از آفرینش گیتی گیاه را به خویش پذیرفته است (پورداد، ۱۳۷۷: ۱/۹۵) و (بهار، ۱۳۷۶: ۲/۷۳) و (کارنوی، ۱۳۸۳: ۲۸) زرتشت در گاتها برای زراعت و رویش و سرسبزی مدد و یاری آن دو فرشته (امرتات و هروتات) را خواستار است (پورداد، ۱۳۸۴: ۱۷۱) روان و منش و وجود و صورت و سیرت آنان کاملاً با هم شبیه برابر و یکسان است آن دو همانند دو یار که همواره و همیشه با هم هستند در متون اوستایی معرفی شده‌اند (پورداد، ۱۳۸۴: ۱۷۳) در خرده اوستا رابطه این دو فرشته با گاو مقدس نخستین که نطفه او سرچشمه رویش

روایت اسطوره آفرینش ایران باستان در ... (فرهاد رحمانی تالاندرستی و دیگران) ۱۲۳

نخستین گیاه (مشی و مشیانه) بود چنین بیان گردیده: "خرداد امشاسپند را میستاییم امرداد امشاسپند را میستاییم گله‌های پرواری را میستاییم خرمن سود دهنده را می‌ستاییم، گئوکرن (گیاه نخستین) زورمند مزدا داده را میستاییم" (پورداد، ۱۳۸۰: ۱۹۸) در این نوشتار دینی به طور مشخص رابطه فرشته امرداد و خرداد و گئوکرن گیاه نخستین که مشی و مشیانه از آن رویدند و خرمن مظهر گیاه سود رسان بیان شده است. امرتات و هروتات و صفات خاصه آنان در ارتباط تنگاتنگی با اسطوره ماه و آفرینش و زایش جانداران از گیاه نخستین وصف گردیده است (دوستخواه، ۱۳۸۰: ۱/۲۹۶) دو فرشته که حافظ گیاهان و آبها می‌باشند و رویش و بالش گیاهان و جاری شدن رودها به آنان بستگی دارد، هدایای آن دو فرشته ثروت و برکت چهارپایان است (هینلز، ۱۳۸۵: ۴۷) امرتات و هروتات در تاق‌بستان بر فراز چشمه‌های مقدس و گیاه آغازین در پروازند و نگهبان و پرستار و برکت بخشنده خلقت آغازینند از این روی آنان همواره در دین و اسطوره موکل و مراقب آب و گیاه گشتند. سرانجام مشی و مشیانه زوج بشری نخستین، از گیاه رویدند. پای آن کوه مقدسی که نورمیترا و آب جوشان چشمه‌هایش آلودگی اهریمن را زدوده است و جهان را آماده میزبانی آفرینش انسان نموده است. اینگونه است که در داستان آفرینش آریایی موجودات و حتی بشر از تکامل گیاهی به خلقت انسانی می‌رسند و در تمثیل و نماد، این گیاه مقدس که جلوه‌گر آغازین خلقت بشر و موجودات هستی بوده است، در تمثیل مشی و مشیانه نخستین زوج گیاهی در پای تاق‌بستان به تصویر کشیده شده‌اند و در **اوج تاق هلال ماه در تمثیل شاخ گاو نقش بسته است** ماه جایگاه نگهداری تخمه مقدس آفرینش بود. خلقت و آفرینش و باروری در اسطوره کهن آریایی ایرانی، در اختیار ماه است. ماه و گاو در اسطوره آفرینش رابطه تنگاتنگی با هم دارند. همچنین رابطه ماه و گاو نخستین، با رویش گیاه و آغاز زیست انسان و جانداران در ارتباط است. ماه بود که از تازش اهریمن نطفه آغازین را در امان خود نگاه داشت و نطفه گاو نخستین که همراه کیومرث میزیست و در کنار او در تازش اهریمن جان باخت سرانجام نطفه آن دو توسط دو امشاسپند امرتات و هروتات در ماه محافظت شد. داس ماه همواره به عنوان شاخ گاو مشخص شده است و این تمثیل شاخ گاو و هلال ماه در حجاری تاق‌بستان در اوج تاق بزرگ تجسم یافته است. تخمه گاو نر به ماه رفت و در نور او پاکیزه شد. روح گاو در ماه جاری است گاو نر نخستین در اسطوره- های کهن ایرانی سفید و چون ماه درخشانده است (بهار، ۱۳۷۶: ۴۶) و آن دو امشاسپند نطفه خلقت آغازین را از ماه گرفتند و در پای تاق سنگی که جلوه‌ای از آسمان و گیتی

است کاشتند و آنها مراقب عالی‌ترین خلقت اهورامزدا هستند آن گیاه آغازین که در تکامل خود به انسان خردمند انجامید (پورداود، ۱۳۷۷: ۱/۱۰۵).

۶. نتیجه گیری

هنر ساسانی تجلی و بازتابی از اسطوره‌های ایران باستان و روایت های کهن دیانت زرتشتی بخصوص اوستا، است. تاریخ نویسان و باستان شناسانی که در باره هنر ساسانی به خصوص هنر تاق‌بستان به واکاوی و بررسی پرداخته‌اند هیچ گاه نقوش ساسانی را در رویدادهای اسطوره‌ای تصور نکرده‌اند در صورتی که این هنر با تمام وجود در باورهای کهن آریایی ریشه داشته‌است. این تحقیق برای اولین بار به دنبال رمزگشایی نمادها و تزئینات هنر ساسانی به خصوص هنر حجاری تاق‌بستان در باورهای دینی و اسطوره‌ای ایران باستان ارائه شد و به این نتیجه نهایی رسیده است که این هنر ناب ایرانی در شکل نماد و نشان در تاق‌بستان تجسم یافته و بازتابی از اسطوره آفرینش آریایی و سرآغاز خلقت در باورهای دینی ایرانی است. نمادهای تاق‌بستان در یک ترکیب هنری یادآور اسطوره آفرینش آریایی است. اسطوره‌ای که با تاریخ ساسانی گره خورده است. در اندرون غار پادشاه در حال ستاندن دیهیم و مراسم تاج ستانی است قدرتی که اهورامزدا در روز آغازین خلقت، فروهر شاهانه او را مزین به آن فرایزدی نموده‌است. شاهنشاه در تاقی که نماد آسمان است در جایگاهی که فرشتگان و ایزدان ایستاده‌اند تاج خود را از ایزدی می‌ستانند و پادشاهیش را ودیعه‌ای از جانب خدا می‌داند. حجار تاق‌بستان موظف بوده است اسطوره آفرینش را در شکل نماد نشان در برابر تاریخ شاهنشاهی شاه بزرگ مجسم نماید تا به قدرت شاهنشاهی شکوهی ازلی و ابدی دهد شکوه و تقدسی که آغازش با آفرینش اهورایی آغاز گردیده است. پیکره‌هایی که تاریخی را بازگو می‌نمایند و نمادها و نشان‌هایی که اسطوره و فرهنگ آن روزگار را به تصویر کشیده است. ترکیب هنر، اسطوره، دین و تاریخ در تاق‌بستان به ظهور رسیده است.

کتاب‌نامه

ابن حوقل، *صورة الارض*، (۱۳۴۵) ترجمه جعفر شعار، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

روایت اسطوره آفرینش ایران باستان در ... (فرهاد رحمانی تالاندشتی و دیگران) ۱۲۵

ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمان بن محمد، (۱۳۸۳) *العبر*، جلد ۱، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ابن رسته، احمد بن عمر، (۱۳۸۰) *الاعلاق النفیسه*، ترجمه حسین قره چانلو، تهران، انتشارات امیر کبیر.

ابی یعقوب، احمد بن، (۱۳۸۱) *البلدان*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی. استرابون، (۱۳۸۲) جغرافیای استرابون (سرزمین های زیر فرمان هخامنشیان)، ترجمه همایون صنعتی زاده. تهران: انتشارات فانوس.

اشمیت، ژوئل، فرهنگ اساطیر یونان و روم، ترجمه شهلا برادران خسروشاهی، تهران، روزبهان و فرهنگ معاصر، ۱۳۸۳

اصفهان، حمزه بن حسن، (۱۳۴۶) *تاریخ پیامبران و شاهان*، ج ۱، ترجمه جعفر شعار، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

بلعمی، ابو علی محمد، (۱۳۸۶) *تاریخ بلعمی*، جلد ۱، به کوشش محمد تقی بهار، تهران، وزارت فرهنگ.

بهار، مهرداد، (۱۳۷۶) *پژوهشی در اساطیر ایران*، جلد ۲، تهران، انتشارات آگه.

بویس، مری، (۱۳۷۵) *تاریخ کیش زرتشت*، جلد ۱، ترجمه همایون صنعتی زاده، تهران، انتشارات توس.

بویس، مری، (۱۳۸۱) *زردشتیان: باورها و آداب دینی آنها*، ترجمه عسکر بهرامی، تهران، انتشارات ققنوس.

بیرونی، ابوریحان، (۱۳۷۷) *آثار الباقیه*، ترجمه اکبر دانا سرشت، تهران، انتشارات امیرکبیر.

پرادا، ایدت، (۱۳۴۵) هنر ایران باستان، ترجمه یوسف مجید زاده، تهران انتشارات دانشگاه تهران.

پوپ، آرتراپم، فیلیساکرمن، (۱۳۸۷) *سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز*، ترجمه، نجف دریابندری و دیگران، ویرایش سیروس پرهام، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.

پوپ، آرتراپم و فیلیساکرمن، (۱۳۸۷) *سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز*، جلد ۲، ترجمه نجف دریابندری، ویرایش سیروس پرهام، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.

پوپ، آرتور (۱۳۷۰) *معماری ایران*، ترجمه غلام حسین صدری افشار، تهران، انتشارات فرهنگ.

پورداد، ابراهیم، (۱۳۷۷) *یشت ها*، جلد ۲، تهران، انتشارات اساطیر.

_____ (۱۳۷۷) *یشت ها*، جلد ۱، تهران، انتشارات اساطیر.

_____ (۱۳۸۰) *خرده اوستا*، تهران، انتشارات اساطیر.

_____ (۱۳۸۱) *ویسپرد*، تهران، انتشارات اساطیر.

- _____ (۱۳۸۴) *گاتها کهن ترین بخش اوستا*، تهران، انتشارات اساطیر.
- _____ (۱۳۷۷) *گزارش ادبیات مزدیسناپژوهیها*، جلد ۱، تهران، انتشارات اساطیر.
- تفضلی، احمد، (۱۳۵۴) *گزارش مینوی خرد*. به اهتمام ژاله آموزگار، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ثعالی، عبدالملک بن محمد بن اسماعیل، (۱۳۸۵) *غرراخبار ملوک الفرس و سیرهم*، جلد ۱، ترجمه محمد فضایی، تهران، انتشارات اساطیری.
- جیهانی، ابولقاسم احمد، (۱۳۶۸) *اشکال العالم*، به کوشش فیروز منصوری، ترجمه عبدالسلام کاتب، تهران، انتشارات شرکت به نشر، آستان قدس رضوی.
- حموی، یاقوت، (۱۳۴۷) *برگزیده مشترک*، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات ابن سینا بسمایه کتابخانه ابن سینا چاپ مشعل آزادی.
- دادگی، فرنیغ، (۱۳۸۰) *بندهش*. ترجمه مهرداد بهار، تهران، انتشارات توس.
- دوست خواه، جلیل، (۱۳۸۰) *گزارش و پژوهش اوستا*، جلد ۱، تهران، انتشارات مروارید.
- رضی، هاشم، (۱۳۸۱) *تاریخ آیین راز آمیز میتراپی در شرق و غرب از آغاز تا امروز*، تهران، انتشارات بهجت.
- _____ (۱۳۷۶) *گزارش ونیداد*، ج ۱، ج ۳، تهران، انتشارات فکر روز.
- ریاضی، محمد رضا، (۱۳۸۲) *طرحها و نقوش لباسها و بافته های ساسانی*، تهران، انتشارات کنجینه هنر.
- زادسپرم، (۱۳۶۶) *گزیده های زادسپرم*، ترجمه محمد تقی راشد محصل، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- سیسلی، دیو دور، (۱۳۸۴) *کتابخانه تاریخ، حکومت مادها، آشور و سرزمین میان رودان*، ترجمه، حمیدیکس شورکایی و اسماعیل سنگاری، تهران، انتشارات جامی.
- شاپور شهبازی، علیرضا، (۱۳۹۱) *جستاری درباره یک نماد هخامنشی*، فروهر، اهوره مزدا یا خورنه، ترجمه شهرام جلیلیان، تهران، انتشارات شیرازه.
- شپرد، دوروتی، (۱۳۸۷) *هنر ساسانی*، تاریخ ایران: از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی، ترجمه حسن انوشه، جلد سوم بخش دوم، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، (۱۳۶۱) *توضیح الملل (المملک و النحل)*، جلد ۱، چاپ ۳، ترجمه، مصطفی خالقداد هاشمی، تهران، انتشارات اقبال.
- عریان، سعید، (۱۳۸۲) *راهنمای کتیبه های ایرانی میانه پهلوی و پارتی*، تهران، انتشارات معاونت پژوهشی، پژوهشکده زبان و گویش.

روایت اسطوره آفرینش ایران باستان در ... (فرهاد رحمانی تالاندشتی و دیگران) ۱۲۷

- عفیفی، رحیم، (۱۳۸۳) *اساطیر فرهنگ ایران در نوشته های پهلوی*، تهران، انتشارات توس.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۸۹) *شاهنامه فردوسی*، تهران، انتشارات بهزاد.
- فره وشی، بهرام، (۱۳۵۸) *فرهنگ زبان پهلوی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- قرشی، امان اله، (۱۳۸۰) *آب و کوه در اساطیر هندو ایرانی*، تهران، انتشارات هرمس.
- کارنوی، آلبرت جوزف، (۱۳۸۳) *اساطیر ایرانی*، ترجمه احمد طباطبایی. تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- کالیبری، پیر فرانچسکو، هنر و معماری سلوکی، تاریخ جامع ایران، جلد چهارم، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی ۱۳۹۳
- کامبخش، سیف اله، (۱۳۷۴) *معبد آناهیتای کنگاور کاوشها و پژوهشهای باستان شناسی و بازسازی و احیای معماری معبد آناهیتا و تاق گرا*، انتشارات سازمان میراث فرهنگی.
- کومن، فرانتس، (۱۳۸۳) *آیین پر رمز راز میترا، رازهای میترا*، ترجمه هاشم رضی، تهران، انتشارات بهجت.
- گراتنوسکی، ادوین، (۱۳۸۵) *تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز*، ترجمه کیخسرو کشاورزی، تهران، انتشارات مروارید.
- گرانت، مایکل و هیزل، جان، فرهنگ اساطیر کلاسیک، ترجمه رضا رضایی، تهران، ماهی، ۱۳۸۴
- گزنفون، (۱۳۸۳) *کوروش نامه*، ترجمه رضا مشایخی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- گیرشمن، رمان، (۱۳۶۸) *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- _____ (۱۳۷۰) *هنر ایران: در دوران پارسی و ساسانی*، ترجمه بهرام فره وشی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- _____ (۱۳۷۰) *هنر ایران در دوران پارسی و ساسانی*، ترجمه بهرام فره وشی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- _____ (۱۳۷۹) *بیشاپور، ج ۱ ترجمه اصغر کریمی*، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی.
- مرکلباخ، راینهولد، (۱۳۸۷) *میترا آیین و تاریخ*، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران، انتشارات نشر اختران.
- مسعودی، علی ابن حسین، (۱۳۷۰) *مروج الذهب*. جلد ۱، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، (۱۳۸۵) *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ترجمه علینقی منزوی، تهران، انتشارات کومش.

هرتسفلد، ارنست، (۱۳۸۱) ایران در شرق باستان، ترجمه، همایون صنعتی زاده، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

هردوت، (۱۳۸۳) تاریخ هردوت، ج ۱، ترجمه هادی هدایتی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
هرمان، جورجینا، (۱۳۷۳) تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان، ترجمه مهرداد وحدتی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

هینلز، جان راسل، (۱۳۸۵) اساطیر ایران، ترجمه احمد تفضلی و ژاله آموزگار، تهران، انتشارات اساطیر.

یارشاطر، احسان، گروه نویسندگان، (۱۳۸۲) پوشاک در ایران زمین، ترجمه، پیمان متین، تهران، انتشارات امیر کبیر.

Fukai, shinji (1991). *Photogrammetric doubt*, the bulletin of the ancient orient museu vol

Erickson, Kyle Glenn (2009). *The Early Seleucids, Their Gods and Their Coins*, A thesis for the degree of Doctor of Philosophy in Classics and Ancient History in Exeter University

Curtis, V.S. (2007). "Religious Iconography on Ancient Iranian Coins", in *After Alexander: Central Asia before Islam*, by J. Cribb and G. Herrmann, London: The British Academy & Oxford University Press, pp. 413-434

Harper, Prudence Oliver (1981). *Silver Vessels of Sasanian period*, Volume one: Royal Imagery, Newyork: The Metropolitan Museum of Art in